



فرق میان سیاست متعالیه و سیاست متدانی چیست؟ / رابطه سیاست و معنویت

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: رویکرد سیاست متعالیه، توحیدی و الهی است ولی رویکرد سیاست متدانی دنیوی و مادی است و به جهان دیگر و عقبی کاری ندارد.

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: رویکرد سیاست متعالیه، توحیدی و الهی است ولی رویکرد سیاست متدانی دنیوی و مادی است و به جهان دیگر و عقبی کاری ندارد.

به گزارش خبرنگار مهر، دین با هدف «تکامل معنوی انسان» که یک حرکت جوهری آگاهانه است به دنبال آن است که انسان را تا عالی ترین کمالات وجودی رشد دهد و این مهم جز در بستر جامعه و امور سیاسی ممکن نیست. از این منظر هر چند سیاست در حوزه اعتباریات قرار دارد اما با توجه به اینکه کارکرد اصلی اعتباریات این است که واسطه رساندن انسان از نقص به کمال شوند و سیاست نیز متکفل دستیابی به مصالح عمومی جامعه است، دین به عنوان مجموعه برنامه ها و راهنمایی های الهی سیاست را در رساندن انسان ها به کمالات معنوی شأن هدایت می کند. سیاست به معنای علم و فن کسب، حفظ و استمرار قدرت برای اجرای هدف حق یا باطل است و معنویت با دو رکن اخلاق و عرفان به معنای رویگردانی از وابستگی به دنیا، تهذیب نفس، توجه به آخرت و معرفت شهودی خداوند جل و علی است. دنیای مسیحی غرب با تمایزگذاری بین دو حوزه عرفی و قدسی پس از رنسانس به سکولاریزم رسیده است، اما اسلام آن را بر نمی تابد. در گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین نجف لک زایی رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی موضوع وحدت سیاست و معنویت در مکتب سیاسی امام خمینی (ره) بررسی شد.

وی درباره نقشی که سیاست می تواند در معنویت داشته باشد، گفت: در عرصه سیاسی دو رویکرد کلان را قائل هستیم؛ یکی رویکرد سیاست توحیدی و الهی که اسم آن را سیاست متعالیه گذاشته ایم و دیگری یک رویکرد دنیوی و مادی که دغدغه هایش این جهانی و مادی است و به جهان دیگر و عقبی کاری ندارد و حتی گاهی هم ممکن است با آن دنیا ضدیت بورزد، نام این نوع سیاست را سیاست متدانی گذاشته ایم، برای تعیین نقش سیاست در معنویت باید بررسی کنیم هر کدام از آنها با چه معنویتی پیوند برقرار می کنند؟

وی افزود: در ارتباط با پسوند متعالی برای سیاست، ما این کلمه متعالی را از آیه شریف قرآن کریم گرفتیم. آنجا که خدای متعال همه جهانیان را به ارزشهای مشترک و در رأس آنها توحید دعوت می کند. می فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (سوره مبارکه آل عمران / آیه ۶۴) بگو: ای صاحبان کتاب آسمانی، بیاپید در عمل به سخنی که میان ما و شما یکسان است گردآییم، و آن اینکه جز خدای یکتا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و برخی از ما برخی دیگر را به جای خدا صاحب اختیار خود نگیرد. پس اگر از این دعوت روی برتافتند، بگویند: گواه باشید که ما مسلمانان تسلیم خدائیم. طبیعتاً در سیاست متعالی ارباب گرفتن ممنوع است و ما یک رب داریم که خدای متعال است، سیاست عرصه هدایت هست ولی عرصه ربوبیت و اربابی نیست.

استاد تمام دانشگاه باقرالعلوم (ع) تصریح کرد: همچنین سیاست مبتنی بر سلطه نیست و قدرت به عنوان زمینه ساز مورد استفاده قرار می گیرد، برای اینکه اگر انسان هایی می خواهند به تعالی برسند به تعالی در ارتباط با خداوند برسند و جز خداوند، رب دیگری وجود ندارد.

وی اضافه کرد: در سیاست متدانی، رب های دیگر وجود دارد و اگر قائل به خدا و الله هم باشند آن را در سلسله مراتبی مطرح می کنند و بحث ارباب انواع مطرح می شود؛ در سوره زمر یک مثال جالبی آمده است. وقتی اسلام آمد و خواست آداب و رسوم جامعه جاهلیت را از بین ببرد یکی از رسوم خیلی زشت رسم برده داری بود، برده ها نیز به دو روش خرید و فروش می شدند گاهی یک برده را یک فرد می خرید و گاهی یک برده را چند فرد می خریدند به شکل مشارکتی بود. وقتی یک برده بیش از یک مالک داشته باشد، مشخص است که چه اتفاقی می افتد؟! در ضرب المثل های عامیانه مان می گوئیم وای به حال سربازی که دو فرمانده داشته باشد، هرکدام از این مالکان می خواستند که آن برده همه کارهایشان را انجام دهد. بنابراین این برده گرفتار می شد و همه اربابان کارهای سخت و پرحمتی را به این بردگان واگذار می کردند. تقریباً می توان گفت این برده متلاشی می شد اما یک برده هم بود که یک ارباب داشت و چون این برده تمام مدت در اختیار ارباب بود تکالیفی که به او می سپرد، تکالیف پرحمتی محسوب نمی شد.

معاون پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در ادامه سخنانش تصریح کرد: در آیه ۲۹ سوره زمر؛ خداوند این مثال را آورده است: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» خداوند مثلی زده است مردی را که چند مالک در او شریکند؛ مالکانی بدخو و ناسازگار که در کار او به نزاع و کشمکش می پردازند و مردی است که تنها در اختیار یک نفر و تسلیم اوست. آن مرد نخست، مثل فردی است مشرک که خدایانی چند را که طبعاً باهم ناسازگارند می پرستند، یکی او را به کاری فرمان می دهد و دیگری او را از آن باز می دارد، و آن مرد دوم، مثل فردی است یکتاپرست که خدایی یگانه او را امر و نهی می کند. آیا این دو مرد یکسانند و حالتی برابر دارند؟! ستایش، همه از آن خداست، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

وی تصریح کرد: مردی را که شرکا آن را خریده اند و هر کدام از اینها کارهای پرحمتی را به این فرد ارجاع می دهند؛ و مردی که تنها یک ارباب دارد اینها با هم مساوی هستند؟ این را در بحث عبادات مطرح کرده است که وقتی شما خدا را عبادت می کنید یک رب دارید و به خدا وصل می شوید اما وقتی از خدا صرف نظر می کنید مثل آن برده ای می مانید که چند صاحب دارد. این از جوانب مختلف مورد امر و نهی قرار می گیرد. همه حمدها برای خداوند است و این بحث خیلی روشن است، ولی اکثراً این را نمی دانند در معنویت متعالی و اهل بیتی و قرآنی انسان ها فقط به سوی یک رب و معبود و مرکز دعوت می شوند. فرد تکلیف خود را می داند؛ اینجا به سلامت می رسد، وقتی تسلیم یک مرکز می شود چون معنویت یک نیاز حقیقی است که ما داریم و این نیاز فقط در تسلیم خدا شدن است که پاسخ دقیق خود را می گیرد و آن هم معنویت مبتنی بر عقل و حیانی در مقام نظر و عدالت و حیانی در مقام عمل است، یعنی به لحاظ نظری عقلانیت و حیانی و به لحاظ عملی نیز عدالت. در سیاست توحیدی این دو کار مدنظر قرار می گیرد؛ یعنی در سیاست متعالی عقلانیت و حیانی پایه نظری اش است و عدالت پایه عملی اش است و در صحنه عمل باید عدالت داشته باشد.

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تأکید کرد: وقتی می گوئیم عدالت یعنی باید سیاست توحیدی در بخش عملی عدالت ورزی را پیشه کند این نوع سیاست نه تنها اهل غارت نیست، بلکه عفت ورزی را پیشه می کند و در بخش محرک غضبی، شجاعت می ورزد و اهل سلطه و ظلم نیست بلکه شجاع می شود امام (ره) می فرماید: برخی، عرفان هایی را مطرح می کنند که وقتی مطالب شأن را می خوانیم باید بگوییم پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع) عارف نبوده اند زیرا اینها همیشه در میدان بودند و همیشه در صحنه و با مردم بودند و یک عرفان منزوی و گوشه گیرانه نبوده است و اینکه همیشه در میدان بوده برای اینکه عدالت را گسترش دهد، لذا در بعد قوه غضبی شجاع می شدند و از مظلوم دفاع می کردند و یک معنویت توحیدی چنان است که در این دنیای امروز اگر بخواهد کار کند باید در برابر سلطه بایستد اما سیاست متدانی دوست دارد معنویت کاذب را ارائه کند و یک معنویت جعلی را در اشکال مختلف ارائه دهد.

این پژوهشگر و نویسنده کشورمان بیان کرد: یک روایتی از امام محمد باقر (ع) در کتاب کافی آمده که مقام معظم رهبری نیز آن را در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن مطرح کرده است. در این روایت آمده است: خداوند عذاب می کند بندگان را که حکومت امام جائز و ظالم را انتخاب کرده باشند، ولو این بنده تمام اعمال خودش مطابق دین باشد. اما اگر یک شهروندی آمد ولایت امام عادل را قبول کرد و گفت: من آن سیستم الهی ای را قبول دارم که توحیدی باشد حتی اگر در زندگی خود گناهای داشته باشد خداوند عفوش می کند؛ برای اینکه بحث فرد و سیستم است.

نظریه پرداز برجسته یازدهمین دوره جشنواره فارابی اظهار کرد: یک وقت است که انسان در قطاری سوار می شود این قطار مثلاً می خواهد به کاشان برود و شما می خواهید به تهران بروید حالا شما در قطار برعکس راه می روید، این سیستم شما را به کاشان می برد، شما را به تهران نمی برد و اما گاهی می خواهید به تهران بروید سوار قطار تهران می شوید و داخل قطار گاهی برعکس راه می روید و ممکن است قطار خیلی تمیز نباشد؛ اما این سیستم و مجموعه شما را به مقصد می رساند. کسانی که در بحث معنویت نگاه غیرسیستمی به معنویت داشته باشند و فکر کنند معنویت را می شود از امامت و ولایت و سیاست و عدالت و عقلانیت جدا کرد، چنین خبری نیست ولو شما می توانید بگویید ۳۰ سال من در کارگاه خودم بودم، این فایده ندارد و باید آن سیستم درست باشد و شما در آن سیستم و سیاست درست زندگی کنید و اگر لغزشی هم داشتی، خداوند می بخشد ولی اگر اصل سیستم خراب باشد شما بخواهید به لحاظ فردی دامن خود را جدا کنید، نمی شود. خدا شما را عذاب می کند ولو گفت کلاً شما مؤمن و متقی باشید.

دبیر مجمع رؤسای پژوهشگاه های علوم انسانی & اسلامی گفت: امام خمینی (ره) می فرماید منظور از ولایت در حدیثی که می گوید: اسلام بر پنج چیز بنا شده است و پنجمی آنها ولایت است، ولایت حکومت است و گرنه ولایت معنوی در جای خودش اثبات شده است و نیاز به این تذکر نداشت. حج، نماز، روزه و جهاد وقتی قبول می شود که با نظارت امام باشد و در حکومت او باشد ولی اگر این طور نباشد فرد بگوید می خواهم جهاد کنم، داعش از آن بیرون می آید. مشکل داعش ی ها این است که عقلانیت ندارند و از سیستم امامت عادل خارج شده و امامت جور راه می اندازد،

البته آنچه مهم است و در محضر حضرت حق صورت باید بگیرد اهتمام ما در این جهت است و اگر واقعاً ما نتوانستیم سیستم الهی را در همه ابعاد برقرار کنیم معذور خواهیم بود. مراحل پنج گانه ای که مقام معظم رهبری امام خامنه ای در جهت نیل به تمدن اسلامی طراحی کرده اند با همین نگاه سیستمی است. فرمودند مرحله انقلاب اسلامی و نظام اسلامی انجام شده و ما امروز باید جامعه سازی اسلامی و دولت سازی اسلامی را با تدبیر و جدیت دنبال کنیم.

لک زایی در پایان سخنانش تأکید کرد: این امر به ما این امکان را خواهد داد تا به امت سازی اسلامی و در نهایت محصول آنکه تمدن نوین اسلامی است برسیم. در همه این مراحل معنویت اسلامی و متعالی آن رنگ الهی است که می درخشد و زندگی را انسانی می کند. چیزی که در قرآن کریم از آن با عنوان حین طیبه یاد شده است. پیامبر (ص) فرمودند: مردم من از میان شما می روم و دو وزنه وزین را در میان شما به امانت می گذارم: قرآن و عترتم را، مادامی که به این دو عمل کنید سعادت مند خواهید شد و علامت سعادت مندی شما این است که وارد بهشت می شوید و در کنار حوض کوثر مرا ملاقات خواهید کرد. این هم تأکید دیگری است بر اینکه ضمن بهره برداری از تجارب و اندوخته های بشری، باید مراقبت کنیم که از صراط مستقیم که مسیر قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) است خارج نشویم. این عبارت دیگری از اقتدای به انبیای الهی (علیهم السلام) به ویژه حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) است، که فرمود: «و لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه»، از خداوند توفیق می خواهیم زندگی مان را براین اساس پیش ببریم.